

The Components of Sustainable Literature in the Poems of Contemporary Poets of Afghanistan (Case study: Abdul Sami Hamed and Seyed Abu Talib Mozafari)

Manuchehr Danesh Pajuhan^{1*}

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Farabi Faculty of Science and Technology

Gholam Hazrat Hoveyda[†]

MA. Student in Persian language and Literature, Ahl al-Bayt (AS) International University

(Received:20/06/2021 ; Accepted:21/09/2021)

Abstract

Afghanistan's contemporary literature, to put it bluntly, was formed after the Marxist coup in 1978. The valuable themes of resistance found in the poems of enduring poets who advocate the pride and dignity of the nation have been passed down to Afghanistan. The coup, due to its Marxist nature in Afghanistan, has been the source of all political, economic, social, cultural, and other developments in the last three decades. After the coup, the people of Afghanistan staged a massive jihad and widespread resistance against the illegitimate and occupying Russian government following the entry of the former Soviet Red Army into their country. The companionship of poets and writers with this socio-political movement marked the departure of Afghan poetry from the stalemate of content and the emergence of a steady stream of poetry in support of the popular resistance against the Russians. After this period, some individuals within the country expressed their idealistic ideas through poetry, while others were compelled to emigrate due to their Islamic beliefs. Consequently, the two main dimensions of Afghan poetry, namely the poetry of resistance and the poetry of emigration, began to evolve. The study of the works of Afghan resistance poets explains and interprets the principles and components of sustainability in the poems of Afghan poets. The main purpose of this study is to investigate the concept of resistance and the thematic and semantic highlights of Afghanistan's sustainability poems. The study aims to explore the fundamental principles of resistance by analyzing the poems of prominent poets using a library-based analytical descriptive method. Topics such as fratricide and war, condemnation of leaders and politicians, protests against the situation in the country, descriptions of exile, and expressions of displacement and deportation appear more frequently in the poetry of Afghan poets, especially in the works of two contemporary poets, Abdul Sami Hami and Seyed Aboutaleb Mozaffari. Religion and its manifestations, which are the most important sources of inspiration in the literature of resistance, have enriched the content of Afghan poets' poems.

Keyword: *Sustainability Literature, Afghanistan, the Idea of Resistance, War, Protest and Freedom.*

1 . * Corresponding Author: mdpajuhan@yahoo.com

2 . hazratgholam5456@gmail.com

مؤلفه‌های ادبیات پایداری در اشعار شاعران معاصر افغانستان (مطالعه موردی: عبدالسمیع حامد و سید ابوطالب مظفری)

منوچهر دانش پژوهان^{*۱}

استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم و فنون فارابی

غلام حضرت هویدا^۲

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بین‌المللی اهل بیت (ع)

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۳۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۳۰)

صفحات: ۹۵-۱۱۸

چکیده

ادبیات پایداری در افغانستان، پس از کودتای مارکسیستی سال ۱۳۵۷ شکل گرفت و مضامین ارزشمند مقاومت به خاک‌ریزهای اشعار شاعران پایداری- که مدافعان غرور و حیثیت ملت به استضعاف کشیده‌شده افغانستان هستند - راه یافت. همراهی شاعران و نویسندگان با این حرکت سیاسی- اجتماعی، سبب خروج شعر افغانستان از بن‌بست محتوا و شکل‌گیری جریان شعر پایداری در حمایت از مقاومت مردمی در برابر روس‌ها شد.

از میان شاعران حوزه یادشده، عبدالسمیع حامد و سید ابوطالب مظفری برگزیده شدند. این پژوهش بر پایه این پرسش شکل گرفت که «ادبیات پایداری افغانستان در اشعار عبدالسمیع حامد و سید ابوطالب مظفری، بیشتر چه موضوعات و مضمون‌هایی را شامل می‌شود؟». این پژوهش با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی، انجام شده، به همین سبب، در آغاز نمی‌توان برای آن فرضیه‌ای بیان کرد. پس از گردآوری یافته‌های پژوهش و سپس تجزیه و تحلیل آن‌ها با روش استدلال استقرایی، آشکار شد که مضامینی چون برادرکشی و جنگ افروزی، نکوهش رهبران و سیاستمداران، اعتراض به شرایط موجود در کشور، شرح غربت و بیان آوارگی و تبعید، در شعر این پژوهش، ظهور بیشتری دارد. دین و مذهب نیز در جلوه‌های آن- که مهم‌ترین منبع الهام در ادبیات مقاومت است- محتوای سروده‌های شاعران یادشده را پر بارتر کرده است.

کلمات کلیدی: ادبیات پایداری، اندیشه مقاومت، افغانستان، جنگ، اعتراض و آزادی خواهی.

۱. * نویسنده مسئول: mdpajuhan@yahoo.com

۲. hazratgholam5456@gmail.com

۱- مقدمه

ادبیات مقاومت، ادبیاتی است که آزموده‌های مبارزاتی یک نسل مقاوم و مبارز را که برای رهایی سرزمین، دین، فرهنگ و سنت‌های خود از چنگال تجاوزگران به حریم ارزش‌های ملی و انسانی به پا خواسته است، برای نسل‌های آینده در بیان فخیم شعری و ادبی ترسیم و تصویر می‌کند. ادبیات مقاومت صدای مقاومی است که هرگز خاموش نمی‌شود و پایان نمی‌شناسد. ادب مقاومت از نوع ادب متعهد و سیاسی است و محتوای آن بیان تلاش‌ها، اخلاص، ایثارها، رزم‌ها، محرومیت‌ها و مظلومیت‌های ملتی است که برای دفع تجاوز نظامی، فرهنگی، دینی، سنتی و ملی دشمنان قد برافراشته است و در این مسیر رنج‌دیده و حرمان‌کشیده است (آیین‌وند، ۱۳۷۰: ۳۴).

عبدالسمیع حامد، از شاعران متعهد است که شعرش نمایانگر عزت و در استقامت ملتش می‌درخشد. تصویرگر چیره‌دستی که جلوه‌های شکوهمند ارزش‌های انسانی را در قالب احساسی بدیع و چشم‌اندازی به فراخنای سرنوشت، به تماشا می‌گذارد. شعر او، تجلی‌گاه اندیشه و فرهنگ یک نسل در هنگام مبارزه و دفاع به شمار می‌رود.

سید ابوطالب مظفری، یکی از شاعران متعهد، با درکی درست از اوضاع کشور افغانستان است. دردمندی و تعهد، پشتوانه غنی فرهنگی، حفظ تعادل در میان سنت و مدرنیسم و نیز پیش‌گامی در تحولات صوری و محتوایی شعر مهاجران افغانستان، از او شاعری ساخته است که در مقایسه با هم‌عصرانش، شاید توان عیبی جز کم‌کاری بر او گرفت.

۲. بیان مسئله

ادبیات پایداری افغانستان، طنین حماسه و انعکاس نغمه‌های پرشور ایستادگی است؛ راز هم‌دلی و همراهی ملت‌هایی است که قربانی استبداد و استعمارند؛ شعر مقاومت، منظومه ملال‌آور سرزمین‌های زخم‌دیده است. تفسیر دردها و رنج‌مویه‌های مردمی که از عمق نگاهشان فریاد می‌بارد. شاعران معاصر فریاد مظلومیت مردمشان هستند و رسالت عظیمشان رساندن آوای حق‌طلبی آنان و طنین‌انداز کردن نوای صلح و دوستی، در گوش تاریخ است. از آنجا که کارکرد ادبیات مقاومت، اصالت‌بخشیدن به حقانیت هستی و باور ملت‌های مورد تجاوز و ظلم است. ملت‌ها در بازتاب ادب پایداری، در برابر تهاجم بیگانگان، دارای خمیرمایه‌های واحد هستند و آن حفظ هویت، اصالت و استقلال است؛ از این رو، این پژوهش، به واکاوی زوایایی مهم شعر امروز افغانستان در آثار عبدالسمیع حامد و ابوطالب مظفری می‌پردازد تا بیانگر مظلومیت مردم افغانستان باشد و شرایط به وجود آمدن اشعار مربوط به استقامت و پایداری را ریشه‌یابی کند.

۳. پرسش اصلی پژوهش

ادبیات پایداری افغانستان در اشعار عبدالسمیع حامد و سید ابوطالب مظفری، بیشتر چه موضوعات و مضمون‌هایی را شامل می‌شود؟

۳-۱. پرسش‌های فرعی پژوهش

- ۱) عوامل مؤثر در سرایش اشعار پایداری عبدالسمیع حامد و سید ابوطالب مظفری چه بوده است؟
- ۲) پربسامدترین و مهم‌ترین مؤلفه‌های اشعار پایداری عبدالسمیع حامد و سید ابوطالب مظفری چه موضوعاتی است؟

۴. فرضیه اصلی پژوهش

پس از مطالعه آثار شاعران یادشده و گردآوری یافته‌های پژوهش و سپس تجزیه و تحلیل آن‌ها با روش استدلال استقرایی، آشکار شد که بیشترین عوامل مؤثر در سرایش اشعار پایداری عبدالسمیع حامد و سید ابوطالب مظفری، شرایط جنگی کشور و وجود استبداد داخلی بوده است.

۴-۱. فرضیه‌های فرعی پژوهش

(۱) پس از مطالعه آثار شاعران یادشده و گردآوری یافته‌های پژوهش و سپس تجزیه و تحلیل آن‌ها با روش استدلال استقرایی، آشکار شد که بیشترین عوامل مؤثر در سرایش اشعار پایداری عبدالسمیع حامد و سید ابوطالب مظفری، شرایط جنگی کشور و وجود استبداد داخلی بوده است.

(۲) پرسامدترین و مهم‌ترین مؤلفه‌های اشعار پایداری عبدالسمیع حامد و سید ابوطالب مظفری عبارت‌اند از: برادرکشی و جنگ‌افروزی، نکوهش رهبران و سیاستمداران، اعتراض به شرایط موجود در کشور، شرح غربت و بیان آوارگی و تبعید، در شعر شاعران افغانستان به‌ویژه دو شاعر معاصر عبدالسمیع حامد و ابوطالب مظفری، ظهور بیشتری دارد. دین و مذهب نیز در جلوه‌های آن - که مهم‌ترین منبع الهام در ادبیات مقاومت است - محتوای سروده‌های شاعران افغانستان را پربارتر کرده است.

۵. اهداف پژوهش

عدالت‌خواهی و تعهد به آرمان‌های بلند انسانی، جزو خواسته‌های ملت مقاوم افغانستان بوده و هست، این موضوعات، توسط شاعران افغانستان به زیبایی، به تصویر کشیده شده است؛ بنابراین، پژوهش حاضر بر آن است تا با بررسی و تحلیل شناسایی درون‌مایه‌های شعر پایداری افغانستان در شعر شاعران این پژوهش، به چگونگی بیان موضوعات یادشده پردازد؛ افزون بر آن، با ارائه تعریفی دقیق از ادبیات پایداری و معرفی کشور و ملت افغانستان، انگیزه‌های سرایش اشعار پایداری توسط شاعران مورد پژوهش، بررسی شده‌اند.

۶. پیشینه پژوهش

مطالعه در کارنامه پژوهش حاضر، بیانگر این نکته است که اندیشمندان و صاحب‌نظرانی در این حوزه تحقیق و پژوهش کرده‌اند. کارهای صورت گرفته در این حوزه، به‌عنوان پیشینه تحقیق در چند مقوله کلی بحث می‌شود.

الف) کتب

۱- «از حنجره‌های شرقی» کتابی از رضا چهره‌قانی برچلویی که در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است. این کتاب، با محوریت سیری در شعر پایداری افغانستان، به بررسی ادبیات پایداری، شعر مقاومت پس از کودتای مارکسیستی، پشتوانه‌های فرهنگی در شعر مقاومت افغانستان می‌پردازد. در این کتاب شعر پایداری افغانستان، از تمام جنبه‌ها بررسی نشده و برخی از مضامین مقاومت در آن کم‌رنگ است.

۲- «پایتخت پری‌ها» کتابی درباره شعر معاصر افغانستان (یک‌صد سال اخیر) است که به کوشش دو چهره سرشناس شعر و ادب معاصر افغانستان، کاظم کاظمی و ابوطالب مظفری، تنظیم شده و به همت انتشارات انجمن شاعران ایران در سال ۱۳۹۳ به چاپ رسیده است. این مجموعه، با مقدمه‌های طولانی، تاریخ ادبیات معاصر کشور افغانستان را تشریح و سپس معرفی مختصری از شاعران معاصر افغانی نموده است.

ب) پایان‌نامه

«بررسی و مقایسه مضامین شعر پایداری افغانستان با تأثیر از شعر پایداری ایران» این پایان‌نامه توسط مریم بهزادی دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات مقاومت دانشگاه محقق اردبیلی انجام شده است که در آن شعر پایداری ایران و افغانستان و نقاط مشترک و افتراق دو ملت بر اساس جنگ‌های تحمیل شده بر آنان بررسی شده و مضامین پایداری در اشعار دو شاعر ایرانی (هراتی و قزوه) و دو شاعر افغانی، (کاظمی و خلیلی) در برخی از حوزه‌های پایداری مقایسه شده است.

ب) مقالات

۱- «تحلیل و بررسی عناصر ادبیات مقاومت در شعر مقاومت افغانستان» (نیک‌خواه، ۱۳۸۸). این مقاله به صورت مختصر، تأثیر عوامل سیاسی و تاریخی را بر فرهنگ و هنر به ویژه ادبیات را بررسی کرده و به صورت کمی و نمایش آماری، بسامد واژه‌های مقاومت را بیان کرده است. این مقاله از میان مؤلفه‌های ادبیات پایداری، به واکاوی سه مؤلفه پرداخته و هدف اصلی آن آشنایی با آرمان‌ها، تخیلات و دغدغه‌های شاعران معاصر افغانستان، به عنوان فرهیخته‌ترین طیف جامعه امروز افغانستان است.

۲- «شعر پایداری در آیین ذهن هنرمندان افغان»: (رستمی و کشاورز، ۱۳۸۴). این پژوهش با زبان کاملاً ادبی، شعر شاعران افغانی را تحلیل کرده است. شاعرانی که آثارشان بازتاب مسائل و مشکلات کشورشان است. این مقاله از منظر مظلومیت به شعر معاصر افغانستان پرداخته و مؤلفه‌های پایداری در آن را بازتاب داده است.

۳- «شعر پایداری افغانستان، از کودتای مارکسیستی تا جمهوری اسلامی» (نیکبخت برچلویی، ۱۳۸۹) در این پژوهش، موقعیت تاریخی و جغرافیای کشور افغانستان ملاک قرار داده شده و موقعیت شعری آن، در برهه‌ای از تاریخ، به روش تاریخی - تحلیلی بررسی شده است؛ اما مؤلفه‌های پایداری به درستی مورد تحلیل و موشکافی نشده است.

۴- «بررسی مضامین پایداری در سروده‌های خلیل‌الله خلیلی» (برچلویی، ۱۳۸۴). در این مقاله شعر پایداری افغانستان در شعر خلیل‌الله خلیلی بررسی شده و قالب‌های شعری و درون‌مایه آثار او مورد تحلیل قرار گرفته؛ اما به نظر می‌رسد این تحلیل بیشتر حول محور زندگی‌نامه و تقسیم‌بندی زندگی این شاعران افغانی، انجام شده و با این دیدگاه محتوایی، مضامین شعری ایشان کمتر بررسی شده است.

۵- «تحلیل بن‌مایه‌های پایداری در ترانه‌های عامیانه افغانستان» (همان: ۱۳۸۴). نگارنده در این نوشته بن‌مایه‌های پایداری را در ترانه‌های عامیانه افغانستان بررسی کرده و با تقسیم‌بندی ادبیات به شیوه‌ای متفاوت، آن را در حوزه مقاومت، تحلیل کرده است. از جمله مضامین ادبیات عامیانه، تصنیف‌ها، مثال‌ها، لالایی‌ها و... است که در میان مردم رایج است و آن بخش

از ادبیات رسمی که شامل، حماسه‌ها، ترانه‌ها، کمدی‌ها و... است، ارزیابی و تحلیل شده است.

۶- «ادبیات پایداری افغانستان در شعر سید علی صالحی»: محمد بارانی و صدیقه انصاری. صالحی شاعری ایرانی است که یکی از دفترهای شعرش را در بیان پایداری افغان‌ها سروده است. این دفتر شعری «دریغاً ملأ عمر» نام دارد و روزگار ناخوشایند ملت افغانستان را نشان می‌دهد. در این مقاله مضامین پایداری مورد توجه قرار گرفته و به مهاجرت‌ها، جنگ‌ها، امیدهای قوم افغان نیز اشاراتی شده است.

کارهای پژوهشی‌ای که تاکنون در این زمینه صورت گرفته است، عمدتاً به وضعیت عمومی اندیشه مقاومت در شعر معاصر افغانستان پرداخته‌اند و هیچ‌کدام به صورت کامل و جامع به بررسی مؤلفه‌های اندیشه مقاومت در اشعار عبدالسمیع حامد و سید ابوطالب مظفری نپرداخته‌اند؛ از این رو، در این پژوهش تلاش خواهد شد تا مضامین و مؤلفه‌های اندیشه مقاومت در شعر شاعران یادشده، یافته و تجزیه و تحلیل شوند.

۷. نوع پژوهش

این پژوهش، از نوع «پژوهش‌های بنیادین نظری و کاربردی» است.

۸. روش پژوهش

در این پژوهش از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. پس از ذکر کلیاتی در مورد ادبیات پایداری افغانستان و مسائل سیاسی و اجتماعی این کشور، به بررسی مضامین شعر پایداری افغانستان و بیان مؤلفه‌ها و اندیشه حاکم بر اجتماع آن پرداخته است و مضامین پایداری از نگاه عبدالسمیع حامد و سید ابوطالب مظفری، بررسی و تحلیل شده است. در آخر از داده‌های استخراج شده، نتیجه‌گیری به عمل آمده است.

۸-۱. روش گردآوری اطلاعات

اطلاعات این پژوهش به روش کتابخانه‌ای، «متن‌خوانی» و «سندپژوهی» به صورت هدفمند گردآوری شده و پس از «فیش برداری»، طبقه‌بندی شده‌اند.

۸-۲. روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش از شیوه «تجزیه و تحلیل کیفی» استفاده شده است. در این روش، تفکر و «استدلال منطقی» و عقلانی اساس کار قرار می‌گیرد؛ از این رو، مواردی که موضوع به مؤلفه‌های ادبیات مقاومت در شعر عبدالسمیع حامد و سید ابوطالب مظفری، اشاره دارند، در حکم داده‌هایی هستند که با روش «استدلال استقرایی» تحلیل می‌گردند. روش استدلال استقرایی بدین صورت است که بر اساس مشاهده حکمی در جزئیات، به اثبات آن حکم در مورد کلی، منجر می‌شود.

۹. موانع و محدودیت‌های پژوهش

معمولاً در تحقیقات ادبی، منابع و مأخذ موجود در هر زمینه، راه را برای انجام صحیح و درست تحقیق فراهم می‌آورد؛ متأسفانه وضعی ناگوار بر منابع و تاریخ به‌جامانده از کشور افغانستان حاکم است. داده‌ها پر عیب و نقص است و آثار شاعران مورد تحقیق، به‌سختی یافت می‌شوند. در هر صورت، با کمبود منابع و امکانات در این عرصه تلاش شده تا پژوهش حاضر با نهایت دقت و سخت‌کوشی و همکاری و تعامل با شاعران افغانستانی مقیم ایران، به انجام برسد. امید است ادیبان و پژوهشگران، نتیجه حاصل شده را با همه نقایص، بپذیرند.

۱۰. ادبیات و مبانی نظری پژوهش

۱۰-۱. ادبیات پایداری

ماندگارترین نوع ادبیات، ادب پایداری است که نماد واقعی بازتاب وجدان جمعی یک ملت است. ملتی که زیر یوغ استعمار، همچون شمع در روزن بادها، در ورطه هلاکت و نابودی است. این نوع ادبیات «بدون شک ادبیات کینه‌توزانه و خصمانه نیست؛ بلکه نوعی از ادبیات انسانی است که مهم‌ترین ویژگی آن، همان بیان وجدان جمعی و هویت انسانی است» (محتایه، ۱۳۸۹: ۸۱). ادبیات پایداری، مجموعه‌ای از مکتوبات و نوشته‌های موجود در سینه‌ها (شفاهی، خاطره‌نگاری، زندگی‌نامه و...) است که محور آن‌ها پایداری است؛ از قبیل پایداری در مقابل دشمن، نفس و یا پایداری در مقابل دشمنان باورها و غاصبان حقوق انسان‌ها و سرزمین‌ها؛ به‌عبارت‌دیگر، ادبیات پایداری به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و پلشتی‌های بیداد یا تجاوز بیرونی، در همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با زبان هنری سخن می‌گوید. برخی از این آثار، پیش از رخ داد جنگ و ناامنی، برخی در میان جنگ و برخی نیز، پس از گذشت جنگ و ناامنی خلق می‌شوند (شکری، ۱۳۶۶: ۱۰).

۱۰-۲. ادبیات پایداری در مفهوم عام

گروهی ادبیات مقاومت را به همه آثاری اطلاق کرده‌اند که به نحوی از عصیان سخن گفته باشد. هر نوع اعتراضی که بر ضد پدیده‌ها و مفاهیم موجود صورت گرفته باشد، به دیده این دسته، مقاومت است. پس به این ترتیب ادبیات مقاومت مفهوم وسیعی می‌یابد که در هر برهه زمانی و در همه‌جا می‌تواند خلق شود. ادب پایداری در مفهوم عام مشاهدات شاعر و نویسنده از مناسبت‌های روزگار است. انحرافات که در همه زمینه‌ها در یک جامعه می‌تواند وجود داشته باشد؛ با این مفهوم گسترده این نوع ادبیات در بیشتر آثار ادبی جهان حضور دارد. با اندک تأملی در آثار شاعران بزرگ ایرانی هم چون فردوسی، حافظ، سعدی، مولوی، ناصر خسرو و... می‌توان دریافت که این مفهوم از ادب پایداری، در آثار به‌جامانده از این شاعران، به‌روشنی نمود و ظهور دارد. افزون بر این، سرودن شاهنامه در سی سال، خود می‌تواند گونه‌ای از جنگ‌های آیینی و کوشش برای گسترش و یا پایداری در برابر هجوم به نهادهای فرهنگی آن باشد. موضوعات یادشده، در شعر حافظ نیز بازتابی گسترده یافته است. غزلیات حافظ را باید چکیده و برگزیده همه پایداری‌های فرهنگی ایرانیان در برابر کزروی‌ها دانست؛ این پایداری بر اندیشه و زبان شعر شاعران تأثیر گذاشته است و حتی ویژگی‌های سبکی شعر حافظ را رقم‌زده و سبب پاسداری از زبان فارسی شده است. از این روی، برخی از منتقدان و نویسندگان، حافظ را در کنار فردوسی قرار داده‌اند. از این دیدگاه، حافظ در پاسداری زبان فارسی، ارزشی مانند فردوسی دارد. فردوسی، خردمندان، حماسه‌ای آفرید

که پیکره‌ی زبان فارسی را با عظمت تمام، میان زبان‌های زنده‌ی دنیا برافراشت و حافظ، عاشقانه در این پیکره روحی معنوی دمیده است (پرهام، ۱۳۷۹: ۵۱).

از مضامین پایداری در مفهوم عام، در شعر شاعران بزرگ فارسی گو، می‌توان به نمونه‌هایی هم‌چون نکوهش پادشاهان ستمگر، تشویق به رعایت عدل و داد، شکایت از فراگیر شدن ظلم، ترساندن ظالمان از عذاب روز قیامت و... اشاره کرد. در دوران معاصر نیز در آثار بسیاری از شاعران، زمینه‌های مختلف انحرافات اخلاقی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، تربیتی، دینی و... در قالب اعتراض و پند و اندرز به تصویر کشیده شده است.

دکتر علی شریعتی در مقدمه کتاب در نقد و ادب، می‌نویسد؛ «هنر، قلم صنع فرزندان آدم که از بهشت به زمین افکنده شده، می‌کوشد تا زمین زشت و افسرده را، به گونه‌ی بهشتی که جایگاه شایسته‌ی او بوده و هست، آرایش کند» (مندور، ۱۳۶۰: ۱۵). ابزار ادب و هنر، برنده‌ترین سلاح در دستان شاعران، نویسندگان و هنرمندانی است که در سرزمین‌های تحت سلطه، دین خود را به انسان و انسانیت ادا می‌کنند. با این تعاریف کلی از ادبیات پایداری، می‌توان گفت: طنز، هجو، حبسیه‌ها، نمایش‌نامه‌ها، داستان، سروده‌های روشنفکرانه و معترضان، همه در حوزه ادبیات مقاومت قرار می‌گیرند.

۱۰-۳. ادبیات پایداری در مفهوم خاص

گستره تاریخ بشری همواره شاهد حکومت‌هایی بوده که حقوق مادی و معنوی مردم را نادیده گرفته، یا برپایی نظام‌های غاصب و مستبد، مردم بی‌گناه را تحت ستم و ظلم قرار داده‌اند. در چنین شرایطی ادبیات مقاومت با فریاد عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی ظهور کرده و صدای رعدآسای استبداد ستیزی را در عرصه فرمانروایی زور و ستم و بیداد ظنین‌انداز کرده است. «زادگاه ادبیات پایداری در مفهوم خاص، در بستر حوادث است و معمولاً ناهم‌زیستی و مبارزه مردم، با استبداد داخلی و یا هجوم خارجی و در گسترده‌ترین شکل آن در بین پیروان یک مکتب و مذهب و یا ملت، به وجود می‌آید» (کافی، ۱۳۸۹: ۲۰۰). در شعر پایداری، شاعر مقاومت و پایداری، انسان را در برابر ظلم، تجاوز، زیاده‌خواهی و بی‌عدالتی، به گونه‌ای به تصویر می‌کشد که همه مردم جهان با اسطوره‌ها و نمادهای شعری او، احساس پیوستگی و هم‌ذات‌پنداری می‌کنند؛ از این منظر، تأثیر‌گذاری، نفوذ و ماندگاری این شعر، بیش‌تر از شعر عادی و معمولی است.

تشکیل حکومت‌های جابر، مستبد، سرکوبگر و قدرت‌طلب، انگیزه‌ای نیرومند برای ایجاد و توسعه ادبیات پایداری، در جهان بوده است. کشورهای که در طول تاریخ با چنین حاکمیت‌های دست‌به‌گریبان بوده‌اند، طبعاً ادبیاتی از این سنخ را بیشتر تولید کرده‌اند. برای مثال کشورهای آمریکای لاتین یا کشورهای آسیایی بیشتر از ممالک اروپایی و آمریکای مرکزی و کانادا ادبیات پایداری را خلق کرده‌اند.

۱۰-۴. پیشینه ادبیات پایداری

نخستین نمونه‌های پایداری انسان در ادبیات را، می‌توان در اسطوره‌ها و حماسه‌های ادبی دید. «چنانچه در ادبیات یونان باستان، مفهوم اسطوره با جنگ خدایان با قهرمانان یا مصائب و سختی‌هایی که بر اقوام کهن گذشته گره خورده است» (داد، ۱۳۸۳: ۳۴). از آنجا که ظلم با سرنوشت انسان‌ها سازگار نیست، خداوند در قرآن مجید آیات فراوانی درباره نکوهش ستم و سرانجام ظالمان و مسائل مختلف دیگر در همین زمینه نازل کرده است. اولین پیام‌های استبداد ستیزی و مقابله با ظلم و ستم

از زبان حضرت حق جاری گشته است. خداوند (ج) در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ» (شورا: ۳۹). «و آنان که هر گاه ستمی به آنان رسد [تسلیم ستم و ستمکاران نمی‌شوند، بلکه از دشمن به حکم حق و برابر با قوانین اسلام] انتقام می‌گیرند». همچنان در آیه دیگر می‌فرماید: «وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» (شورا: ۴۰). «پاداش بدی [چون قتل و زخم زدن و اتلاف مال] مانند همان بدی است؛ ولی هر که بگذارد و [میان خود و طرف مقابلش را] اصلاح نماید. پاداشش بر عهده خداست؛ یقیناً خدا ستمکاران را دوست ندارد»؛ بنابراین می‌توان گفت نخستین متن ادبیات مقاومت به مفهوم اسلامی آن، قرآن کریم است. اگر برخی آثار کهن فارسی را نیز ملاحظه کنیم، مشاهده می‌شود که جنبه‌های موعظه و ارشاد در آن‌ها فراوان است. در دیوان‌های شاعران گذشته به هجویه‌های بسیاری برمی‌خوریم که حربه‌ای برای اقدام علیه حاکمیت ظالم بوده و خود از شعبات و شاخه‌های ادبیات پایداری است.

۱۰-۵. مهم‌ترین مؤلفه‌های ادبیات پایداری

بخش وسیعی از آنچه در ادبیات مقاومت فارسی بازتابیده است؛ پایداری شاعران و نویسندگان در برابر مهاجمان به حقوق ملی، انسانی و نهادهای فرهنگی است. از عمده‌ترین شاخص‌های ادبیات مقاومت، می‌توان به این مؤلفه‌ها اشاره کرد:

۱) ستایش آزادی و آزادگی

آزادی پرجاذبه‌ترین مفهوم ادبیات پایداری است که شاعران و نویسندگان از آن سخن گفته‌اند. در ادبیات کهن و کلاسیک این مفهوم بیش‌تر به معنی آزادی از تعلقات دنیایی بود که به آزادی فرد می‌انجامد و انسان را به تعالی و کمال می‌رساند. مثلاً تعبیر خواجه عبدالله انصاری از آزادی چنین است:

مست توام از جرعه و جام آزادم مرغ توام از دانه و دام آزادم
مقصود من از کعبه و بتخانه تویی ورنه من از این هر دو مقام آزادم
(انصاری، ۱۳۶۹: ۲۸)

آزادی مفهومی لطیف و لغزنده است و بحث درباره آن میدانی فراخ می‌طلبد، در مفهوم امروزی، فرزندان یک سرزمین برای به دست آوردن آزادی، در راستای آرمان‌های وطن‌خواهانه، تلاش می‌کنند و در این راه از جان خویش هم می‌گذرند؛ به تعبیر دکتر سنگری «آزادی فرشته است؛ پیامبر است؛ نسیم و سیزه و بهار است و شاعر همواره در جست‌وجوی آنان است تا آن حد که در آرزوی یافتن، مرگ را به جان می‌خرد و توصیه می‌کند پس از مرگ جسدش را در صحرا (نماد رهایی و گسترده‌گی) بیفکنند و در قبر (به دلیل شباهت آن به زندان) قرار ندهند» (محقق، ۱۳۹۰: ۱۰۵).

حمید الصافی شاعر عراقی، در شعری با عنوان «آزادی جاودان» می‌گوید:

«پس از مرگ مرا در صحرا افکنید/ چه خوش است زندگی و مرگ من در صحرا/ در قبر حبسم
مکنید/ چون‌که از زندان حتی پس از مرگ بیزارم/ وقتی بدنم خورش کرکس‌ها و شیرهای درنده شود/
اجزای پیکرم را خواهم دید/ که من در زندگی نیز به شوق آن جان می‌دادم» (بدوی، ۱۳۶۹: ۱۴۳).

۲) رفع استبداد و بیان جنایت‌ها و بیدادگری‌ها

واژه استبداد فضای دلنواز آزادی جوامع را مخدوش می‌کند؛ قلم و بیان را در تنگنا قرار می‌دهد و مانع استمرار فعالیت‌های اجتماعی میان مردم می‌شود. هنرمندان و قلم‌به‌دستان، در برابر دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جوامع حساس و نکته‌سنج هستند و تلاش می‌کنند با ترسیم تصاویر آگاهانه، با زبان شعر و احساس، فرهنگ ظلم‌ستیزی را نکوهش کنند. مبارزه در راه آزادی‌طلبی، حرکتی علیه استبداد و خودکامگی و فساد و تباهی حکومت‌ها است. جبران ابراهیم جبران، شاعری از فلسطین، در مجموعه شعر «بیابان‌های تبعید» می‌گوید:

«بهارهای پیاپی را در بیابان‌های تبعید می‌گذرانیم / با عشق خود چه کنیم / درحالی‌که چشمانمان پر از خاک و شب‌نیم یخ‌زده است؟» (همان: ۵۲۴).

۳) وطن و ستایش سرزمین خود

یکی دیگر از عمده‌ترین مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده ادبیات پایداری، عشق به سرزمین مادری و مضمون وطن است. شاعران و نویسندگان در ستایش وطن، به مظاهر و زیبایی‌های دیار خود، به پاس داشت گذشته‌ها و یادکرد افتخارات مردم سرزمینشان می‌پردازد. سرزمین‌های که همچون شمعی در روزن بادهای شدید قرار گرفته و منتظر وقوع حادثه‌ها هستند. شاعران این سرزمین‌ها با اندوهی بزرگ و غمی جانکاه از وطن می‌سرایند. جبران ابراهیم جبران، خطاب به سرزمین اشغال‌شده‌اش فلسطین می‌گوید: «ای سرزمین بادام مزرعه / ای جایی که جوانی‌مان در تو / مانند رؤیایی در سایه درخت‌های پرتقال / و میان درخت‌های بادام مزرعه گذشت / ما را به یاد بیاور، اینکه میان خارهای بیابان‌ها / و کوه‌های سنگلاخ سرگردانیم» (همان: ۵۲۴).

۴) دفع استعمار

در تمام آثار ادبی جهان، به گونه‌ای بازتاب پایداری در مقابل دشمن بیگانه به چشم می‌خورد. این امر ناشی از این اصل کلی است که همه انسان‌ها در هر گوشه از جهان که زندگی می‌کنند، در حمایت از اصالت، استقلال و هویت خود - که مورد هجوم بیگانه‌ای قرار می‌گیرد - ایستادگی می‌کنند و بازتاب این مقاومت و پایداری به آثار هنرمندان راه می‌یابد. در این آثار ادبی و به‌ویژه شعر، تمام تلاش شاعران این است که ملت خود را به مبارزه با دشمن تشویق کنند و حتی برای ابراز این دشمنی ثوابی معادل عبادت قائل هستند. قیصر امین‌پور از شاعران مقاومت ایران، این مضمون را در شعرش گنجانده است: «اما / ما هیچ‌گاه قصد اقامت نکرده‌ایم / باید نماز قصر بخوانیم / زیرا مسافریم / جای نماز عشق همین جاست / برخیز تا نماز بخوانیم / وقت نماز مرگ بر آمریکاست» (نجف‌زاده بارفروش، ۱۳۷۲: ۳۸). ادبیات پایداری، آینه تمام‌نمایی دردها و مرثیه‌های مردم است، مردمی که نخستین قربانیان بیداد و استعمارند و شعر شاعران، بیان و تفسیر این دردهاست.

۵) توصیف و ستایش شهیدان

مبارزان راه آزادی و آزادگی که هستی خود را در میدان نبرد آوردند و از گران‌بهاترین سرمایه وجودی خویش یعنی جانشان، در این عرصه مضایقه نکردند و در شکنجه‌گاه میدان مبارزه جان باختند، نماد عظمت، عزت و الگوی بی‌بدیل فداکاری و ایثار هستند. این انسان‌های ازجان‌گذشته، همواره از دیدگاه مردم، دارای ارزش و اعتباری والا و در بیان و قلم

نویسندگان؛ قابل ستایش و تقدیرند:

«بار بر دوش آن‌هاست. آه آری همانا پاک‌ها،

نازنین‌ها، خوب‌ها، مهربان‌ها

ما چه کردیم باری، ناله شکوه و زاری

شد وطن زنده؛ اما زان جوان‌ها و جان‌ها» (بهبهانی، ۱۳۷۰: ۱۱۱).

۶) ایجاد امید و انگیزه

«امیدوار بودن حالت یا کیفیتی از بودن است؛ زیرا نوعی هستی است، شاید هم مطمئن‌ترین شکل آن باشد» (فرانکل، ۱۳۷۰: ۱۲۱). ۱. از جمله ویژگی‌ها و شاخصه‌های ادبیات پایداری، عبارت است از احيای امید به پیروزی در قلوب مردمان؛ زیرا انسان‌ها به امید زنده‌اند. به قول فخرالدین اسعد گرگانی:

«گر امیدم نماند وای جانم // که بی‌امید یک ساعت نمانم» (گرگانی، ۱۳۸۶: ۲۶۹). ادیب متعهد در این عرصه می‌کوشد تا با زنده‌نگه‌داشتن روح امید، از بروز خمودی و سستی در میان مجاهدان و مبارزان جلوگیری نماید و همچنین بارقه امید و رسیدن به آینده درخشان را در دل مردم سرزمینش روشن نگاه دارد.

۱.۱. ادبیات مقاومت افغانستان

از آن‌جا که سرزمین افغانستان مدت‌ها است جولانگاه قدرت‌های استبدادی و استعمارگر است، بخش قابل توجهی از ادبیات پایداری جهان را به خود اختصاص داده است. عده‌ای بر این باور هستند که ادبیات مقاومت، ادبیاتی است که مضمون آن را جنگ تشکیل می‌دهد چه در داخل به وجود آمده باشد و چه در بیرون. با این توصیف، ادبیاتی که در بیرون از جغرافیای افغانستان توسط ادیبان کشور پدیده آمده باشد، نیز ادبیات مقاومت به شمار می‌رود. باید دید این اصطلاح از چه زمانی در ادبیات افغانستان رایج شد. ادبیات جنگ در افغانستان پیشینه‌ای تاریخی دارد. اگر نظری از سر تحقیق به بسیاری از آثار بیندازیم؛ به‌ویژه در حوزه شعر، به‌راحتی می‌توان ادعا کرد که در تاریخ ملت افغانستان این نوع از ادبیات در بیشتر زمان‌ها وجود داشته است.

زندگی‌نامه عبدالسمیع حامد

عبدالسمیع حامد، فرزند غلام نبی مدهوش غزنوی، در سال ۱۳۴۸ هجری خورشیدی در «شهرک ولایت بدخشان» افغانستان زاده شد. وی دانش‌آموخته زبان و ادبیات فارسی است و پزشکی را هم در دانشکده پزشکی به‌صورت هم‌زمان فراگرفته است. ایشان از ده‌سالگی به سرایش شعر پرداخت و به‌زودی به محافل ادبی راه یافت. مدتی مسئول بخش شعر انجمن نویسندگان بلخ بود که از نهادهای معتبر ادبی در افغانستان است.

حامد سرایش شعر را از مثنوی، غزل و قصیده آغاز کرد؛ اما از دهه شصت، هم‌زمان به سرایش شعر نیمایی و سپید و آزاد نیز روی آورد (انوشه، ۱۳۷۵: ۳۷۷). او شاعری عصیانگر و بی‌باک است. در بحرانی‌ترین شرایط در داخل کشور به سرایش

شعرهای اعتراضی و مقاومت دست‌زده و در برابر اشغالگران وقت و حاکمیت دست‌نشانده آن زمان ایستاد. در دوره جنگ‌های داخلی نیز شعرهایی با درون‌مایه انتقادی و با لحن تند و گاهی هم با طنز تلخ سروده است. او در سال ۱۳۷۷، پس از آن که بلخ به دست طالبان سقوط کرد، میهن را ترک کرد و با خانواده‌اش به شهر پیشاور پاکستان مهاجرت کرد. در آنجا با نهادهای تعاونی توسعه افغانستان همکاری می‌کرد. در طول مدت اقامت در پیشاور ده‌ها مقاله را در نشریات مهاجران در سال ۱۳۷۹ نوشت.

آثار سمیع حامد

سمیع حامد، در مجموع ۲۰ اثر منظوم و منثور در عرصه‌های مختلف ادبیات، هنر و سیاست دارد که بیشترشان در داخل افغانستان و اندکی در خارج افغانستان به چاپ رسیده و چند نمونه شعری‌شان که در راستای ادب مقاومت است عبارت‌اند از:

- ۱) از دوزخ اردیبهشت، انتشارات انجمن اسلامی نویسندگان بلخ، به همکاری نشریه دولتی افغانستان، سال ۱۳۷۲ در بلخ به چاپ رسیده است.
- ۲) مجموعه شعری به نام باغچه‌های شهید، انتشارات انجمن نویسندگان بلخ، سال ۱۳۷۱ به چاپ رسیده است.
- ۳) مجموعه دیگر به نام، راز بن‌ها در فصل شکفتن گل انجیر، پیشاور، انتشارات انجمن نویسندگان آزاد، به چاپ است.
- ۴) چندین اثر دیگر هم به نام‌های شیشه‌های تشنه، شب‌نامه آفتاب، آبستن از آبی، لبخند پشت پوزخند، بگذار همیشه شب بماند، زیست‌نامه مرگ، یادها فریادها، رنگین‌کمان بر فراز مرداب و... که اکثرشان در داخل افغانستان به چاپ رسیده، می‌توان اشاره کرد.

سبک ادبی و زبان شعری حامد

با نگاهی کوتاه به شعرهای عبدالسمیع حامد، می‌توان بیان کرد که ایشان شاعری پرتلاش و خوش استعداد است که ضرورت‌های زمان را خواب می‌شناسد و می‌داند که در این روزگار چگونه باید سخن گفته شود. سمیع حامد، از جمله شاعران معاصر افغانستان است که در کنار سرایش شعر، در زمینه موسیقی نیز فعالیت دارد. ایشان نخستین شاعر افغانی است که همیشه برای کودکان، برنامه شعرخوانی برگزار می‌کند. وی طنزپردازی سیاسی و یک طنزنویس ماهر است که از آلام و درد ملت افغانستان و اقوام ستم‌کشیده به خوبی باخبر است. حامد در قالب‌های مختلف طبع‌آزمایی کرده و مهم‌ترین ویژگی شعر او نوگرایی، تنوع قالب‌ها، بیان شجاعانه و موسیقی زبان او است که ایشان را از دیگر شاعران، متمایز می‌کند. حامد، یکی از مهم‌ترین شاعران مقاومت افغانستان به شمار می‌رود و تا حال، بیش از بیست مجموعه شعر منتشر کرده است. شعرهای حامد به زبان‌های انگلیسی، دانمارکی و نروژی نیز ترجمه شده‌اند.

زندگی‌نامه ابوطالب مظفری

سید ابوطالب مظفری در سال ۱۳۴۴ خورشیدی در قریه چهارباغ ولایت ارزگان - که یکی از محروم‌ترین نقاط افغانستان است - دیده به جهان گشود. تحصیلات ابتدایی را در همین روستا به پایان برد. در کنار آن، تحصیلات حوزوی را هم در

آنجا آغاز کرد. سال ۱۳۵۹ به اجبار به کویت پاکستان مهاجرت کرد و سپس به ایران رفت. سال ۱۳۶۱ در حوزه علمیه مشهد پذیرفته شد و ادامه تحصیل داد. مظفری شاعر و نقاد توانایی است، دیر سالی است که در مشهد ایران به سر می‌برد و یکی از بنیان‌گذاران «موسسه فرهنگی درّ دری» در ایران است. نشریه «درّ دری» نشریه‌ای فرهنگی بود که در دهه ۷۰ در ایران و افغانستان منتشر می‌شد و به این ترتیب انتشار این نشریه، باعث شد که کم‌کم کانونی از شاعران و نویسندگان افغانی بانام موسسه فرهنگی «درّ دری» در ایران شکل بگیرد.

آثار ابوطالب مظفری

مظفری، در مجموع ۵ اثر را در بخش‌های مختلف نشر کرده است. ایشان از بنیان‌گذاران فصلنامه ادبی، هنری و فرهنگی «درّ دری» که به صاحب امتیازی مرکز فرهنگی نویسندگان افغانستان در ایران است. از جمله آثارشان می‌توان به:

- ۱) مجموعه شعر سوگنامه بلخ، سال ۱۳۷۱، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی
- ۲) شعر مقاومت افغانستان، گردآوری شاعران پایداری افغانستان، سال ۱۳۷۲، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی
- ۳) مجموعه ۴۲ گزیده ادبیات معاصر، سال ۱۳۷۸، تهران، انتشارات نیستان
- ۴) کتاب پژوهشی ادبی، پایتخت پری‌ها، مجموعه سروده‌های ۱۵۰ شاعر فارسی‌زبان افغانستان، سال ۱۳۹۴ توسط خانه شاعران ایران و افغانستان به چاپ رسیده، از جمله کتاب‌هایی است که در راستای معرفی ادبیات کشورهای همسایه به دیگر فارسی‌زبانان تهیه و تنظیم شده است.
- ۵) مجموعه شعر عقاب چگونه می‌میرد، آخرین اثر مظفری است که در تهران، انتشارات آمو، سال ۱۳۹۶ به چاپ رسیده است.

سبک ادبی و زبان شعری مظفری

مهم‌ترین ویژگی شعر مظفری، صمیمیت و بی‌تکلفی آن است و البته وقتی می‌گویم صمیمیت، منظور ما نزول سطح زبان و عوام‌زدگی آن نیست؛ بلکه مقصود این است که شاعر قصد تحمیل توانایی‌های شعری‌اش را بر شنونده ندارد و اصولاً این توانایی‌ها نیستند که او را به شعر سرودن وامی‌دارند. در کارنامه ادبی مظفری، برای بسیاری از وقایع و اتفاق‌های این سال‌های افغانستان، شعرهایی پذیرفتنی می‌توان یافت.

۱۲. یافته‌های پژوهش

آثار شاعران مقاومت افغانستان نیز، متأثر از مسائل اجتماعی - سیاسی به‌ویژه جنگ و ناامنی در کشورشان است؛ به طوری که کم‌تر اثری از این شاعران را می‌توان یافت که بن‌مایه‌ای از پایداری و مقاومت در آن نباشد. بیش‌تر این شاعران به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از جنگ و مشکلات موجود در کشورشان تأثیر پذیرفته و از رهگذر آن، در بیان هنرمندانه وقایع و ترسیم حماسه‌ها کوشیده‌اند. از دیدگاه دو شاعر معاصر افغانستان عبدالسمیع حامد و سید ابوطالب مظفری جنگ، برادر کشی، دعوت به اتحاد و وفاق ملی، نکوهش رهبران قدرت‌طلب، اعتراض به بی‌دردان و عافیت‌طلبان، مهاجرت و مشکلات پیرامون آن و ستایش جهادگران، ایثارگران میدان مبارزه و شهدا، مضامین عمده شعر پایداری افغانستان را تشکیل

می‌دهد؛ گاه نیز یأس و ناامیدی حاصل از شرایط و حوادث در شرف وقوع و بدبینی نسبت به آرمان‌های مقاومت، در شعر برخی از شاعران دیده می‌شود.

حامد، از شرایط موجود در کشورش که اوضاع دگرگون و متشنج است، گاهی حالت جنگ و اختناق را به خود می‌گیرد و گاهی حالت صلح و آرامش نسبی چنین می‌گوید:

«در سینه‌ام پرستو، در چشم من پلنگ است

در بین مانده‌ام من صلح است یا جنگ است!

این زندگی چه رنگ است؟ زشت است یا که زیبا؟

پروانه قشنگی بر میله تفنگ است

آنجا شده است سنگ، اینجا بنای مکتب

با چشم خویش بنگر این سنگ نیز سنگ است

در انفجار دریا هر دو مهاجر هستیم

برگرد زورق ما هر موج یک نهنگ است

قهریم از هم اما، باید سخن بگوییم

آتش که بود میله در برف هم قشنگ است» (حامد، ۱۳۷۲: ۶۵).

الف. جنگ

کشور افغانستان تجربه دردناک جنگ را، با حمله نظامی شوروی به خاک این کشور در تاریخ خود ثبت کرد. پس از این حمله بود که مردم افغانستان، هیچ‌گاه روی آرامش ندیدند. تازیان‌های جنگ یکی پس از دیگری، بی‌رحمانه بر پیکر افغانستان فرود می‌آمد و عوامل قدرت طلب و سلطه‌جو چه ظلم‌هایی که به مردم این سرزمین روا نداشتند. در کشور مصیبت‌دیده افغانستان، جنگ، یک حادثه زنده و خبری همیشه تکراری است. جنگ و مصیبت‌های تمام‌نشده آن، روایت قصه‌های شبانه مادران، غصه غرور پایمال‌شده پدران و حکایت شعرهای ماندگار شاعران است. انسان‌های دردکشیده‌ای که زخم جنگ را مرهمی جز سرود درد نمی‌یابند. سمیع حامد، کشته شدن مردم مظلوم کشور را که همه‌روزه بی‌خبر از سرنوشتشان کشته می‌شود، این‌گونه بیان می‌کند:

«با هر بهانه، در همه‌جا کشته می‌شویم

هر لحظه با هزار بلا کشته می‌شویم

خوش می‌شویم صبح چه زیبا شکفته است

وامی شود دریچه و ما کشته می‌شویم

در می‌دهند خانه ما را مسافران

تا داد می‌زنیم «چرا؟» کشته می‌شویم

تا پیش گور تازه یک دوست، یک رفیق

بالا کنیم دست دعا کشته می‌شویم

بی‌ارزش است مردن ما بس که مرده‌ایم

ای هم‌وطن! به نام خدا کشته می‌شویم» (حامد، ۱۳۷۲: ۲۳).

صفحه به صفحه تاریخ افغانستان روایت‌های تلخ و جان‌سوزی از کشتارهای وحشیانه، جنگ‌های کور، غارت و چپاول اموال مستمندان، تنش‌های بی‌پایان و فتنه‌انگیزی‌های گسترده را بیان می‌دارد و سوغات این تنش‌ها گاه به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر، جنازه‌هایی است که ناعادلانه، با اسب‌های شتابان حادثه حمل می‌شوند. زمین از نظاره این ستم‌ها دلش می‌گیرد. مظفری، در این مورد چنین بیان می‌کند:

«سواران آمدند / و بر ترک اسب‌ها / جنازه به سوغات آوردند / ماه از کمین برنخاست / و دلگیرتر شبی
را / زمین به نظاره ایستاد» (مظفری، ۱۳۹۳: ۴۳۵).

جنگ برای افغانستان حادثه همیشه زنده است. کابوسی که در رؤیای شیرین کودکان هراسان و ناامید، رخنه کرده و خانه آمال و آرزوهایشان را ویران کرده است.

حامد، از حالت اسفناک و دردآور جنگ و خون‌ریزی که حتی کودک شیرخوار و در گهواره را هم در امان نگذاشتند بیان می‌کند:

«تیر خوردن، بعد از آن گهواره را تا گور بردن

مرگ بر این زندگانی! مرگ بر این گونه مردن

کس چه می‌داند چه دردی دارد این پیکار خونین؟

روی زخم سینه خود ضد ظالم پا فشردن

تشنه‌ایم از بس به خون یکدیگر مثل دو شبنم

کشتن ما پیش همسایه است مثل آب خوردن

برگ را پاییز نسپارد به خاک، ای خاک بر سر

گشته دگر قسمت تو گل، به خاکستر سپردن» (حامد، ۱۳۷۳: ۷۶).

عبدالسمیع حامد، در سروده‌هایش، صحنه‌های سیاسی و اجتماعی افغانستان را بیان می‌کند و اوضاع پیش‌آمده در کشور افغانستان را ناشی از قدرت‌طلبان حاکم و خودکامه می‌داند که جز خودشان، دیگران را به باد فراموشی سپرده و تمام مسائل کشور را به دست مزدوران و مداخله‌گران خارجی داده‌اند. مردم مظلوم افغانستان همه‌روزه در قهقرا و بدبختی فرو می‌روند و کمر مردم بیش‌تر از پیش خم‌تر می‌شود. جنگ‌های خانمان‌سوز و ویرانی‌های فراوان را هرروز بیشتر شاهد هستیم:

«زمین است این وطن یا سرزمین است

که دائم پایمال آن و این است

در آنجا گرگ را کی می‌خورد گرگ

کجا قانون جنگل این چنین است» (حامد، ۱۳۷۱: ۴۵).

ب. نفی سلطه و دخالت بیگانگان

قوم افغان در دوران معاصر، همواره سایه سنگین ابرقدرت‌ها را بر سروسامان خود تحمل کرده است. در اشعار شاعران افغانستان، دعوت به تکیه به هویت ملی خویش و پشت کردن به فرهنگ بیگانه را می‌توان مشاهده نمود. سمیع حامد، از شاعران نواندیش و کهن‌گرایی افغانستان، با دل‌بستگی ذاتی خویش در مورد امیدبخشیدن و روحیه دادن مردم افغانستان به فردای بهتر، تلاش می‌کند مردم را تشویق کند که وطنشان را حتماً به هرگونه که می‌توانند بسازند:

«گر جهنم ساختم فردوس هم می‌سازم

ای وطن می‌سازم آخر خودم می‌سازم

آن قدرهای که می‌گویند کاهل نیستم

با تفنگت گر شکستم، با قلم می‌سازم

آینه در آینه در رهگذار عاطفه

سنگ اندر سنگ در راه ستم می‌سازم

هر که آمد بر سرت بمب ریخت؛ اما غم مخور

من از آهن پاره‌های سرخ بمب می‌سازم

غم مخور ای کشور ویران؛ ولی زیبای من

با نفس‌های امیدم دم‌به‌دم می‌سازم

تا تو زیباتر شوی گل می‌شوم گل می‌شوم

باورم کن یک رقم نه، صد رقم می‌سازم» (حامد، ۱۳۷۲: ۹۸).

حامد، برای مردم رنج‌دیده و خسته کشورش نوید فردایی سرشار از خوشبختی و صلح را می‌دهد. مردم که همواره به خاطر صداقت و سادگی خودشان، قربانی شیطنت‌ها و دخالت‌گری‌های بیگانگان شدند و به سخت‌ترین و مشقت‌بارترین شکل ممکن، تاوان سادگی و دین‌داری‌شان را پس دادند. دین‌داری عمیق و ریشه‌دار در مردم افغانستان ننگ زیر بار اسارت رفتن را نمی‌پذیرد. استعمارگران در عرصه سلطه بر کشورهای تحت ستم و مظلوم، همواره دایگان مهربان‌تر از مادر هستند؛ دخالت‌هایشان کشور را به سمت کشمکش‌ها و درگیری‌های داخلی سوق می‌دهد و مردم را به جان هم می‌اندازد.

مظفری، از حالت اسفناک موجود، بسیار شاکی است و از درد بی‌کسی مردمش بیان می‌کند:

«دریغ و درد که فصل دلم زمستانی است

انیس کودک قلبم، سیاه پستانی است

به قوم عاصی ما اینک خدایگان چه کنند

به این یتیم پدرم‌دهه دایگان چه کنند» (مظفری، ۱۳۷۱: ۱۷).

مظفری، کشور افغانستان را همانند یتیمی می‌داند که از زجر روزگار نامساعد درمانده و در آوارگی به سر می‌برد و دایگانش به بی‌رحمی تمام، خونس را می‌مکند و او را زیر پا له می‌کنند.

دعوت به اتحاد و هم‌دلی (پرهیز از جنگ)

حامد از جمله شاعرانی است که جدایی و تفرقه میان مردم را هیچ‌گاه به صلاح کشور جنگ‌زده و مصیبت‌دیده خود نمی‌بیند او معجزه زندگی را در برکت دست‌های درهم‌گره کرده می‌داند:

«درخت، منتظر رستن است بسم‌الله

بلوغ باغچه آبستن است، بسم‌الله

جوانه پیک جوان شکفتن جنگل

نسیم قصد بالیدن است، بسم‌الله

برای پنجره‌ها چشم‌روشنی بدهید

سپیده در ره برگشتن است، بسم‌الله

به سوی روز، به دیوار شب نگاه کنید

ز هر ستاره یکی روزن است، بسم‌الله» (حامد، ۱۳۷۲: ۴۵).

وی در این سروده مردم را به فردای پر از امید و آرزو و روشن تشویق می‌کند. مردمی که از جنگ و اختناق به تنگ آمده‌اند و می‌خواهند فضای صلح و آرامی را تجربه کنند.

مظفری نیز با همین انگیزه، اقوام با هم برادر افغانستان را، به همراهی و هم‌دیگرپذیری فرامی‌خواند و بر یاری کردن هم‌دیگر، تأکید دارد:

«گاه آن است تا بتارنیم

لشکر بی‌شمار غصه‌ها را

بسپویم این کویر، این شب را

دست بر شانه‌های زخمی هم» (مظفری، ۱۳۷۲: ۱۵۴).

غزل زیبایی وحدت نیز از سروده‌های ابوطالب مظفری است که در آن در خاطره دردناک کشتارهای بی‌رحمانه و ظالمانه عبدالرحمن خان، غصب زمین‌ها و کله‌منارهایی که از سر مردان و زنان قومی در افغانستان ساخته شده، با برادران دینی و هم‌میهنان ظلم دیده‌اش همدردی کرده است:

«نگفتی چرا مثل من آس و پاسی

تو را می‌شناسم مرا می‌شناسی

و من مثل تو یک سر بی‌کلاه

تو هم مثل من یک تن بی‌لباسی

بنه دست بر شانه‌ام تا بدانی

چرا می‌گریزی؟ چرا می‌هراسی؟

زمستان سردی است جان برادر

بکش روی جاجیم فقم، پلاسی

بیا ریشه کینه‌ها را رها کن
که دیشب نخوابیدم از ترس داسی
بیا دل بکن از چنین خواب شیرین
نمی‌بینی از شب گذشته است پاسی
عبث گفته بودندمان آب و آتش
و دیگر نسازیم از این سان، قیاسی (مظفری، ۱۳۷۹: ۲۹).

پ. اعتراض

اعتراض مشخصه بارز بیش‌تر سروده‌های شاعران افغانستان است. اشعاری که بخشی از آن‌ها به حوادث افغانستان اشاره می‌کند و بخشی دیگر بیان‌کننده مفاهیم انقلابی، اعتقادی و انسانی است. بهترین حرکت و روش برای دادخواهی از زیر یوغ استعمارگران بودن، اعتراض و بلند کردن صدای مدنیت، علیه آن است. این امر، توسط شاعران و رسانه‌ها می‌تواند تحقق پیدا کند:

«کس را در این دیار به کس اعتماد نیست
ما را به خویش نیز دگر اعتماد نیست
در هر طرف یک انجمن و نیست اتفاق
هرج است «اتحادیه» و اتحاد نیست (حامد، ۱۳۷۷: ۹۸).

مظفری نیز در این شعر افراد تن‌پرور و عافیت‌طلب را - که در تمام زندگی‌شان نفع شخصی خودشان را هدف قرار بودند و جز خود به منافع ملی و مردم خویش توجه نداشتند - به کرگدن تشبیه کرده است:

«سر گم، تمام همتشان یک بدن شده
از تک‌روی، تمامشان کرگدن شده
در ته مانده‌ایم و چهل سال شد تلف
چشم انتظار معجزه آب‌های کف
چشم انتظار معجزه تا سنگ گل دهد
بیرون کشند از تن ناپاکشان صدف» (مظفری، ۱۳۹۳: ۴۳).

ج. اعتراض به حکمرانان و رهبران قدرت طلب

سمیع حامد، بارها در اشعارش از قدرت‌طلبان خوددرفیفته و بازنده نام‌برده است:

«نمی‌دانم که فرزند چه تاریخ و چه فرهنگیم
اگر پیدا نشد بیگانه، ضد خویش می‌جنگیم

حویلی^۱ را گرفته آتش و ما از میان دود

سر از کلکین برون آورده می‌نالیم، دل تنگیم

نه کافر مثل هر کافر، نه مؤمن مثل هر مؤمن

همان رنگی که اینجا باب بازار است، آن رنگیم

چقدر از دست دشمن شکوه باید کرد، ای مردم

به جنگ خویش ما سنگر، به راه خویش ما سنگیم» (حامد، ۱۳۷۲: ۲۴۲).

ابوطالب مظفری نیز در مورد وعده‌هایی که از طرف دولت مردان، برای داشتن یک فردای بهتر به مردم داده شده بود، سخنش را به گونه اعتراضی بیان می‌کند:

«قرار بود ببینیم صبح فردا را

قرار بود بسازیم باهم آنجا را

قرار بود زمستان بمبرد؛ اما بعد

و این تنور کمی نان بگیرد؛ اما بعد

چه شد که مصلحت کار را نسجیدند

فقط در آینه تصویر خویش را دیدند» (مظفری، ۱۳۷۹: ۶۲).

سال‌های پر آشوب نبرد و اختلافات درون گروهی و نبودن رهبرانی که تکیه‌گاه و امید برای مردم مظلوم و رنج‌کشیده افغانستان باشند، محتوای شعر و ادبیات مقاومت افغانستان را دگرگون کردند. شاعران طی این دوران، تراژدی‌های مهیبی را با پوست و گوشتشان لمس کردند و ناله‌های جانکاه مدام هم‌وطن خود را با تمام وجود شنیدند. این شاعران، با تأسی از ایثار و مقاومت نستوه مردم، بنیان شعر مقاومت افغانستان را پی‌ریزی کردند.

«آه/ ای در یوزه‌گران قدرت/ با عشق مغرور آن کردید / که پلنگ با گردن اشتران / در چارسوی

نگاه‌های حریران/ با غرور، مردم را به در یوزه نشانید/ آنچه بعد از توفان بر درخت می‌ماند/ از شما /

روی دست وطن مانده است» (همان: ۷۴).

ح. اعتراض به تبعیض‌های قومی

مردم افغانستان در طول تاریخ به خاطر این دست‌اندازی‌های بیرونی-که پیوسته صورت گرفته است- نتوانسته‌اند یک انسجام و اجماع ملی به‌تمام معنا داشته باشند و از این ناحیه هنوز هم رنج می‌برند.

عبدالسمیع حامد، در مورد تبعیض‌های جاهلانه و کور به‌شدت اعتراض می‌کند و چنین گفته است:

«وطن! خواهند آخر خانه خاکسترت سازند

نجنبی گر ز جا، خاک خودت را بر سرت سازند

جدا سازند از هم استخوان‌های تو را، آری

۱. حویلی، ایوان یا حیاط خانه که سقف ندارد و پیش روی آن باز است.

به میل خود، چو بازیچه به شکل دیگر سازند

به گوشت حلقه‌ای از بند بود خود بیندازند

غلامت نی، غلامت نی... غلام نوکرت سازند» (حامد، ۱۳۷۱: ۷۶).

ابوطالب مظفری، روحیه مردم کشورش را به امیدواری و فردای روشن سوق می‌دهد و اقوام افغانستان را به دوستی و برادری دعوت می‌کند:

«ای دوست! این معامله در انتظار ماست

وقت گذار گل، نه که وقت گذار ماست

تا چند تشنه بر لب دریا نشسته‌ای؟

تا چند دیده بر رخ خورشید بسته‌ای؟

نختی به پاس حرمت یاران نماز کن

آینه‌ای ز طرف دل و دیده باز کن

امشب که غصه در دل ما راز می‌شود

فردا جبین پنجره‌ها باز می‌شود

شب ناله‌های خیل شغالان به سر رسید

اینک زمان نغمه‌سرای سحر رسید» (مظفری، ۱۳۹۶: ۶۳).

خ. یاد وطن در مهاجرت

حامد، وطن خود را همچون مادر می‌پندارد و با تمام زشتی‌ها و زیبایی‌هایش او را دوست دارد و احساس خود نسبت به وطن و سرزمینش را چنین بیان می‌کند:

«خاکت از من، تاکت از من

آسمان پاکت از من

کوه باشی، سنگت از من

باغ باشی خاکت از من

از من هستی، میهن من

از تو هستم، سرزمینم

سرزمینم، نازنینم» (حامد، ۱۳۷۲: ۷۸).

مظفری هم از جمله شاعران مهاجرت است که آوارگی و درد پاهای ورم کرده همیشه مسافرش، لحن شعرهایش را محزون کرده است:

«از چارسو دمیده و در چارسو دوان

اینک منم چو بادی آواره در جهان

اینک منم دو پای ورم کرده در مسیر

اینک منم مسافر این خاک سردسیر» (مظفری، ۱۳۹۳: ۴۳۲).

آوارگان دور از وطن، هم چون پرندگان بی آشیانه‌ای هستند که در کوران حوادث، بادهای و باران‌های توفان‌زا، مأمن و جایگاهی ندارند و این دیدگاه شاعری است که عمری بدون آشیانه‌ای گرم، در حسرت آزادی بال‌پر زده است:

«اینجا هوا گرفته و بدبوست

اینجا هوا

مثل بهانه‌های دل من

سرد و سیاه و خسته و بدخوست

اینجا شب است و ماه

با جلوه‌های گیج و گرانس

خیل سیاه‌کاری شب را

توجیه می‌کند

جالب‌تر این که شب را

با روزهای بودن با تو

تشبیه می‌کند

اینجا هوا گرفته و اخموست^۱» (مظفری، ۱۳۷۳: ۱۶۵).

د. مقاومت و یاد شهدا

حامد، در مورد مقام و جایگاه شهید بسیار ارج قائل است و شهید و شهادت را گرامی می‌پندارد:

«باز شب پرمی کشد خورشید در خون می‌تپد

قلب سرخ ماه در توفان جیحون می‌تپد

از زمین آتش‌فشان دیگری سر می‌زند

نبض تندر، تندتر از خشم گردون می‌زند

شام در سوگ شهید صبح، شیون می‌کند

صبح از کابوس تاریکی، شیبخون می‌زند» (حامد، ۱۳۷۱: ۶۵).

ابوطالب مظفری، شعر سپید «عقاب چگونه می‌میرد» را به «مستری نادر» فرامرز دشت‌های فراه تقدیم کرده و از رشادت‌ها و ایثارگری‌هایش، چنین بیان نموده است:

«چگونه سوگ‌نامه مردمی را می‌سرایبی / که پشتوانهٔ «هلا هلایت»^۲ بوده‌اند؟ / آه «مستری نادر» از تو

۱. اخمو: بداخلاق، ترشو

۲. هلا، کلمه تنبیه و ندا که برای آگاهی دادن به کار می‌رود

چگونه بسراییم / که هر دم خجالت آیم نکند؟ / راستی حیف بود / اگر شهید نمی‌شدی / چون
سنگ چین مسجدی بودی / که چویانان بر گردنه‌ها می‌سازند / بی‌آنکه سجده / هیچ زاهدی / آن را
آلوده باشد / زلال زیستنت هلاک کاریزهای کهن بود / آه اگر توفان / صدفی را حتی به ساحل نبخشد
/ کفتارها سرانجام خونت را سرکشیدند / پس از عمری که زالوها / آن را مکیده بودند / از «خرماگه»
« تا خدا / چند تیررس فاصله بود؟ » (مظفری، ۱۳۷۹: ۷۵).

د. تلمیحات و اشاره به داستان انبیا و امامان

آشنایی با قصه‌های پیامبران، تلمیح به داستان‌های قرآنی و وقایع صدر اسلام، محمل خوبی برای بیان موضوعات پایداری، به شمار می‌رود. هم‌چنین رویدادهای تاریخی مسلمانان از جمله درس‌های عبرت‌آموز بشریت هستند که می‌توانند پشتوانه فرهنگی غنی برای ادبیات و شعر یک کشور باشند. داستان سلیمان نبی و تاج‌وتخت افسانه‌ای ایشان، از داستان‌هایی است که به محتوای شعر شاعران افغانستان، ارزشی چند برابر بخشیده است:

«به هوش باش برادر که داد می‌گذرد

شکوه تخت سلیمان به باد می‌گذرد» (مظفری، ۱۳۷۹: ۲۶).

و. عاشورا در شعر مقاومت افغانستان

کربلا و ذکر حوادث آن، فقط برای سوگواری و ماتم نیست؛ بلکه مکتبی است که دانشی را به دانش‌آموختگان می‌آموزد که در هیچ دانش‌سرای دیگر یافت نمی‌شود. ابوطالب مظفری، در مورد مکتب عاشورا و امام حسین (ع) چنین بیان می‌کند:

«ز دشت واقعه بنگر غبار می‌آید

سمند عشق چرا بی سوار می‌آید

مگر سپاه پلیدی دوباره خون کرده است؟

ز پشت باره عزیزی دگر نگون کرده است؟

هنوز پیکر مجروح عشق در صحراست

هنوز کشتی بی نوح قوم، بر دریاست.

کجاست نی که حدیث دیار خون گویم؟

کجاست نی که ز سر قصه جنون گویم» (مظفری، ۱۳۸۸: ۷۷).

۱۳. نتیجه‌گیری

شعر مقاومت افغانستان، آینه تفکرات و احساس شاعرانی است که تراژدی‌های مهیب را با پوست و گوشتشان لمس کرده‌اند. آثار شاعران مقاومت افغانستان، متأثر از مسائل اجتماعی و سیاسی؛ به‌ویژه جنگ و ناامنی در کشور است؛

۱. خرماگه، کوهی است در شمال افغانستان

به طوری که کم‌تر اثری از این شاعران می‌توان یافت که بن‌مایه‌ای از پایداری و مقاومت در آن نباشد. اعتراض مشخصه بارز بیشتر سروده‌های شاعران افغانستان است. اعتراض به رهبرانی که به نابسامانی‌های داخلی دامن می‌زنند و نکوهش شاعرانه به بی‌دردان و عافیت‌طلبانی که در بستر عافیت غنوده‌اند، از مضامین اشعار شاعران مقاومت افغانستان است. تبعیض‌های قومی نیز در افغانستان که مانع اصلی وحدت و تفاهم ملی میان مردم است مورد اعتراض شاعران مقاومت افغانستان است.

عبدالسمیع حامد، از طلایه‌داران شعر مقاومت افغانستان پس از کودتای مارکسیستی است. وی سکان‌دار بی‌رقیب شعر مقاومت در حوزه پاکستان و داخل افغانستان است. برخی شعرهای حامد را برای افزایش روحیه مبارزان و تحریک مردم به مقاومت از تیر مجاهدان کارگتر می‌دانند. سید ابوطالب مظفری، از شاعران کوشا و نام‌آور افغانستانی مهاجر، ساکن در ایران است. این شاعر، با درک وضعیت کشور افغانستان، برای بازتاب دادن آن در شعر مقاومت، با چند تن دیگر، مؤسسه فرهنگی «دُر دری» را بنیان‌گذاری می‌کنند. اکنون این مؤسسه، کانونی مهم برای اجتماع شاعران و نویسندگان افغانی است. مظفری، شاعری است که شعرهایش نمودار آلام و آرمان مردم ستم‌کشیده افغانستان است. وی خود را زبان گویای دردهای این مردم می‌داند.

در شعر مقاومت دو شاعر این پژوهش، جنگ، برادرکشی، دعوت به اتحاد و وفاق ملی، نکوهش رهبران قدرت‌طلب، اعتراض به بی‌دردان و عافیت‌طلبان، مهاجرت و مشکلات پیرامون آن و ستایش جهادگران و ایثارگران میدان مبارزه و شهدا، ستایش شده‌اند. شهادت و شهید از مضامین مقدس است و فراموشی یاد و آرمان‌های شهدا نیز، از دغدغه‌های آن‌هاست. افزون بر آن، مضامین بارز دینی و مذهبی نمودی آشکار دارند و بنیان اشعار آن‌ها بر باورهای دینی بنا نهاده شده است. هم‌چنین، احیای باورهای دینی، صیانت از راه و هدف انبیا و ائمه را سرلوحه سروده‌های خود قرار داده‌اند. عاشورا نیز به‌عنوان منشأ ادب پایداری، حماسه و ایثار در سروده‌های شاعران پژوهش، جایگاه ویژه‌ای دارد.

۱۴. سخن پایانی

۱- وقتی کشور دچار مشکلات فراوان داخلی هم چون فقر، بیماری، کمبودی‌های فراوان، جنگ و اختلافات داخلی و چالش‌های خارجی باشد، بدیهی است که مضامین شعری آن متأثر از این ویژگی‌ها خواهد بود.

۲- پربسامدترین و مهم‌ترین مؤلفه‌های شعر مقاومت افغانستان، با توجه به اوضاع آشفته و نابسامان این کشور در دهه‌های اخیر، مضامین جنگ، مقاومت و صلح است؛ از این‌رو به نظر می‌رسد، حضور گسترده مضامین یادشده در آثار حامد و مظفری با توجه به اوضاع و واقعیت‌های موجود در کشور، امری طبیعی است.

۳- درون‌مایه بیشتر آثار شاعران افغانی به‌ویژه دو شاعر این پژوهش، اندیشه‌ها و خواست‌های مردمی است که آرزوی صلح و امنیت را، در خیال خویش می‌پرورند. از دید این شاعران، ادبیات پایداری، چه درون مرزهای آن و چه خارج از محدوده جغرافیایی آن باید صلح، آرامش و عدالت را در خود آن کشور و در جهان ترویج کند.

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.

۲. انصاری، خواجه عبدالله. (۱۳۶۹). **مناجات‌نامه**، به کوشش علی پناه، تهران: فروغی.
۳. انوشه، حسن و همکاران. (۱۳۷۵). **دانشنامه ادب فارسی**، چ سوم، ادب فارسی در افغانستان، چ اول، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۴. آینه‌وند، صادق. (۱۳۷۰). **ادبیات مقاومت، کیهان فرهنگی**، شماره ۷۹.
۵. بارانی، محمد، انصاری، صدیقه. (۱۳۹۱). **ادبیات پایداری افغانستان در شعر سید علی صالحی، ششمین همایش ملی پژوهش‌های ادبی**، چ اول، تهران، انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی.
۶. بدوی، مصطفی. (۱۳۶۹). **برگزیده‌هایی از شعر عربی معاصر**، ترجمه غلامحسین یوسفی و یوسف بکار، چاپ اول، انتشارات اسپرک، تهران: میدان انقلاب.
۷. بهبهانی، سیمین. (۱۳۷۰). **دشت ارژن**، چ دوم، تهران: انتشارات شالوده.
۸. بهزادی، مریم. (۱۳۹۳). **بررسی و مقایسه مضامین شعر پایداری افغانستان با تأثیر از شعر پایداری ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی، گرایش ادبیات مقاومت، اردبیل: دانشگاه محقق اردبیلی.
۹. پرهام، مهدی. (۱۳۷۹). **حافظ و قرن بیست و یکم**، تهران: نشر شار لوده.
۱۰. چهره‌قانی برچلوبی، رضا. (۱۳۹۰). **از حنجره‌های شرقی** (سیری در شعر پایداری افغانستان)، چ اول، تهران: انتشارات هزاره قنوس.
۱۱. حامد، عبدالسمیع. (۱۳۷۱). **باغچه‌های شهید**، انتشارات انجمن نویسندگان بلخ.
۱۲. حامد، عبدالسمیع. (۱۳۷۷). **راز بن‌ها در فصل شکفتن گل انجیر**، پیشاور: انتشارات انجمن آزاد نویسندگان.
۱۳. حامد، عبدالسمیع. (۱۳۷۲). **از دوزخ اردیبهشت**، انتشارات انجمن اسلامی نویسندگان بلخ، به همکاری نشریه دولتی.
۱۴. شکری، غالی. (۱۳۶۶). **ادب مقاومت**، ترجمه محمدحسین روحانی، تهران: نشر نور.
۱۵. کاظمی، کاظم و مظفری، ابوطالب. (۱۳۹۳). **پایتخت پری‌ها**، تهران: انتشارات انجمن شاعران ایران.
۱۶. کافی، غلامرضا. (۱۳۸۹). **شناخت ادبیات انقلاب اسلامی**، چ اول، تهران: بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس.

۱۷. گرگانی، فخرالدین اسعد. (۱۳۸۶). **منظومه ویس و رامین**، تصحیح محمد روشن، چ سوم، تهران: انتشارات صدرای معاصر.
۱۸. محتایه، ریاض. (۱۳۸۹). **گفتاری در ادبیات جنگ و ادبیات مقاومت**، ترجمه سیده زهرا حق دوست راد، **کتاب ماه ادبیات**، شماره ۴۰، ص ۸۱.
۱۹. محقق، جواد. (۱۳۹۰). **بیداری کلمات، بررسی و تحلیل شعر مقاومت**، چ اول، تهران: روایت فتح.
۲۰. مظفری، ابوطالب. (۱۳۹۳). **شعر مقاومت افغانستان**، دفتر دوم، چ اول، تهران: حوزه هنری.
۲۱. مظفری، ابوطالب. (۱۳۷۲). **سوگنامه بلخ**، چ اول، تهران: انتشارات حوزه هنری.
۲۲. مظفری، ابوطالب. (۱۳۹۶). **عقاب چگونه می میرد**، چ اول، تهران: انتشارات آ مو.
۲۳. مندور، محمد. (۱۳۶۰). **در نقد و ادب**، ترجمه علی شریعتی، چ اول، تهران: بی تا.
۲۴. نجف زاده بارفروش، محمدباقر. (۱۳۷۲). **فرهنگ شاعران جنگ و مقاومت**، چ اول، تهران: انتشارات کیهان.
۲۵. نیک خواه، عبدالرحیم. (۱۳۸۸). **سیری در ادبیات پایداری افغانستان**، **مجله ادب فارسی**، پاییز و زمستان، ش ۲، (علمی - پژوهشی). ص ۱۳۵ - ۱۵۵.